

نسق کشاورزی ایران

مسئله‌ی زمین = ⑤

بخش چهارم - نسق کشاورزی ایران:

قانونی میان روستاها برده می‌شود تا وضع کشاورزی را دیگرگون بسازد، نظم ارباب و رعیتی را پایان بخشد، بر حجم تولید بیفزاید و گرمی زندگی و امید را بر روستاها بازگرداند. ستون فقرات قانون دومهره بزرگ دارد؛ مالکیت دهقان بر زمینی که می‌کارد و شرکت تعاونی بمثابة عاملی در آبادانی روستا و کمک به دهقان. فرض کرده‌ایم که هر گاه در شرایط موجود دهقانی تنها برای خودش بکارد و بخشی از دسترنجش را به انبار مالک نفرستد بهتر و بیشتر خواهد کاشت. فرضی که بسیار بحقیقت نزدیک است.

زود باید افزود که حکومت قانون فقط بر تعدادی از روستاها مستقر خواهد گردید و بردهات دیگر سایه‌ای از راه تاثیر روحی و معنوی. قانون اصلاح ارضی در دهات ششدانگ که همچنان برای مالکین می‌ماند اجرا نمیشود و کار کشاورزی و زندگی دهقانی در این دهات بوضع و روش سابق ادامه می‌یابد. از سوی دیگر درست است که با تقسیم اراضی میان دهقانان سهمی که از محصول برای آب و زمین منظور می‌گردید بر رعیت تعلق خواهد گرفت اما نسق کشاورزی در اساس تغییر و تحولی نیافته است و در دهات ششدانگ محصول بهمان شیوه سابق میان ارباب و دهقان تقسیم خواهد گردید. باین ترتیب نخست، با دومسئله روبرو می‌شویم: اول نسق کشاورزی که تغییر نمی‌یابد بعد بقای نظم ارباب و رعیتی در تعدادی کثیر از روستاها. سپس يك مسئله بزرگ تر که سر نوشت فردای کشاورزی باشد. بررسی قانون و نتایجی که اجرای کامل آن به بار می‌آورد از نظر کشاورزی و تولید مواد خام حائز اهمیت خواهد بود. چنین قانونی برای بهبود زندگی و توسعه معیشت اکثریت دهات برده میشود. و چشم اندازی امیدوار کننده دارد. اما با این همه آدمهای زنده محتاج مطالعه و پیش بینی اند. مادر این صفحات مقدمات يك بررسی را بخاطر تشخیص خط سیر و سر نوشتی که پیش روست تدارک می‌کنیم. اگر راه کار ناهموار است گزیری نیست.

از کجا شروع کنیم؟ نسق کشاورزی یا سنت چند هزار ساله قدم اولست پس از آن امکان های توسعه فعالیت یا در جازدن و رکود از لحاظ دهقانان صاحب زمین شده و سپس اختلافی که میان دهقانان صاحب زمین و دهقانان دهات ششدانگ پدید میشود.

نسق در معنای نظم و ترتیب دادن و برشته کشیدن آمده است و در وضع تعیینی بجزا دادن و کیفر بخشیدن. مفهوم نسق در کشاورزی از وضع تعیینی آن دور نیست و نسق کشاورزی ایران که در طول قرون فقر و کمبود رادر روستاها استقرار بخشید براه و روش و آئین کشت اطلاق میگردد.

تعریف : نسق کشاورزی یعنی تقسیم مقدار و متر از معین زمین - مثلن اراضی يك دهه - با آب متعلق بآن میان تعدادی دهقان و برای کشت معین. این تعریف کلی و اصولی نسق است و در همین زمینه تعبیرهای روشن کننده دیگر هم میتوان یافت.

نسق بمعنای شیوه و روش در کشاورزی عبارتست از تفکیک و تقسیم‌بندی وظائف زارعین ، یعنی مقروات مربوط بتقسیم اراضی زیر کشت و آیش هر دهه با توجه بوسعت خاک و مقدار آب (اعم از قنات، رودخانه یا چاه) و تعداد گاو و بویه دهقان و غیره.
زراعت متکی بچهار عامل است زمین، آب، وسائل و کار. وسائل زراعت گاو الاغ خیش و غیره میباشد و چهار عامل مذکور هر یک ربع درآمد زراعتی را میبرند. بندر را هم باید از روی محصول برداشت.

در روستا های مرکزی و برخی نواحی غرب نسق کشاورزی را همان گاو بندی میدانند اعم از آبی یا دیمزار. زمین با آیش آن میان گاوهای دهقانان قسمت میشود و دهقان و کار او تابع تعداد گاویش قرار میگیرد ...

برای روشن شدن این تعابیر باید به تك گاو و جفت گاو و خانوار و بنه و گاو مرده و خوش نشین و پشك و قره پشك و امثال آن که در سر زمین های مختلف تفاوت میکند توجه نمود .

از روی آمارهای روستائی و نتایج سرشماریها هر خانوار دهقانی به چهار نفر و نیم بالغ میگردد : مردی و زنی و دو یاسه بچه. خانوار روستائی معمولان تك گاوی ، الاغی یا چندگوسفند و بز و مرغ دارد. اعضای خانوار گاهی زیر يك سقف زندگی می کنند! (نگاه کنید بآمار روستائی شیراز ، نشریه آمار عمومی) خیش را جفت گاو می کشد اما دهقان فقیر گاه ناچار است فقط با تك گاویش شخم کند . بنه به تعدادی مرد و گاو گویند که بکار شخم میپردازند. گاو بند یا رعیت در نقاط مختلف نامهای مختلف میگیرد و در اطراف تهران آنرا بنه می نامند : ۴ دهقان و ۴ گاو جفت یعنی دو مرد و دو گاو و دو خروار گندم برای افشاندن . پس هر بنه دو جفت است . گاو مرده بزمنی گویند که گاو رعیتش بمیرد و رعیت استطاعت خرید گاو تازه نداشته باشد یا خود رعیت مرده باشد و زمینش را دیگران بکارند. خوش نشین هر ساکن دهی است که بکاری جز زراعت پردازد .

بمنظور تقسیم اراضی هر ده نخست قطعه های زمین را با آیش آنها مشخص می کنند و سپس پشك (قرعه) میازدارند . پشك استقرای است موقت که به علت اختلاف کشتزار های يك ده و عوامل دیگر تغییر میکند و هر چند گاه یکبار زمینی که در دست دهقان است بدیگری میسپارند و زمین آن دیگری را بدهقان . پشك معمولاً برای دو سه یا چهار سال است تا زمینهای مرغوب پیوسته در دست يك عده و زمین های پست همیشه در دست عده ای دیگر نماند . اما سیاه پشك تقسیم بندی ویژه ای است که برهم نمیخورد و گاه تا زمان مرگ دهقان ثابت میماند . تقسیم زمین میان دهقانان در روستائی که همه کشتزار هایش خوب و مرغوب باشد و یا همه زمینهای آن یکسان و برابر سیاه پشك صورت می پذیرد .

میزان زمین زیر کشت هر ده بستگی بآب و نوع زمین دارد و بسیاری از دهات اراضی وسیع را در اثر بی آبی رها کرده اند. (در آذربایجان این اراضی بصورت چراگاه چهار پایان در می آید .)

در عرف کشاورزی زراعت سه مرحله دارد ، کاشت ، داشت و برداشت : شخم و آرایش زمین و افشاندن بندر و دادن آب کشت را کامل میکند. زراعت قبل از درو که هر همته و هر ماه چیزی است و دارای ارزشی مرحله داشت را بوجود می آورد و برداشت محصولی که درو شد و خرمن شد .

اینک، عوامل اصلی زراعت و آنها که در نسق کشاورزی تاثیر دارند شناخته شد و بنیان کشاورزی آشکار گردید .

زمین و آب سرمایه اولیه کشاورزی و گاو و کار لوازم اساسی کشت و زرع بحساب میاید و اگر مالک بسدال (۱) باشد بندر را از روی خرمن بر می دارد و از این بابت چیزی نمیگیرد.

از سوی دیگر باشناخت این عوامل امکانهای ناچیز و عرصه تنگ کار و کشت قابل رویت و محسوس است. قدرت شخم یک گاو یا جفت گاو، توانائی دهقان در تملک و نگاهداری جفت یا فرد گاو و سر انجام میزان آب هر ده یا مزرعه عوامل و شرایط ثابت و تعیین کننده می هستند که مقدار زمین زیر کشت دهقان، درآمد او در پایان سال و چشم انداز های مادی زندگی را مشخص میسازند و برد کار و بازده فعالیت یک ساله او را در حدودی فقیرانه پیوسته ثابت نگاه میدارند.

با دیدی دقیق تر میتوان همین عوامل یعنی قدرت کار جفت یا فرد گاو و استعداد مالی دهقان و میزان آب را شاخص های اصلی کشاورزی ایران شمرد.

ناگفته پیداست که عضلات گاو یا رای برابری با تراکتور و نیروی انفجاری هیدرو کاربور را ندارد و شیار های سطحی که خیش دهقان بعمق پنچ یا شش سانت در زمین ایجاد میکند هر گز تاثیر و نتیجه شکارهای عمیق تراکتور را نخواهد داشت.

بر گردیم بمطلب. یک نسق بندی عمومی عبارتست از جفتی گاو و دو نفر کشاورز و دو خروار بندر و چهار هکتار زمین و آب کافی. بنابراین این محصول زراعت میان این عوامل قسمت میشود و تقسیم محصول به عوامل یعنی تقسیم میان صاحبان آن عوامل.

در زراعت دیدیم همین عوامل هست با استثنای آب. سهم آب نیز در دیمکاری حذف میشود اما در زندگی مردم هر روستا عوامل دیگری هم هست که بحساب میاید آنهم بحساب دهقان. اهم این عوامل کدخدای، مباشر یا ضابط، دشتبان گرمابه دار و مخارج گاو (نجاری و آهنگری برای ساختن خیش جنجل خرمن کوب یا چون و شانه خرمن باد دادن) میباشد. چیره ضابط و دشتبان را از روی خرمن بر میدارند. خرج توتاب و سوخت حمام میان رعیت سر شکن میشود. هزینه آهنگری و نجاری با کشاورزان است و کود هم گاهی با خود رعیت. آخرین مسئله ای که منطقتن باید جزء نسق بندی بیاید بیشکش ها و رسوم روستائی است.

ریشه این رسوم در نواحی ایل نشین و کشاورزی ایلی عقیق تر و قدیم تر بنظر میرسد. اما از سابقه که چشم بیوشیم خود باری است بر شانه های لاغر دهقان. در اینجا پاره ای از رسوم روستائی را فهرست و اول بر می شماریم:

- ۱- مالیات سرانه که بیشتر در روستاهای آذربایجان عمل میشد و اکنون نادر است.
- ۲- بیکاری - هر رعیت سالی چند روز برای مالک کار می کند و مزد نمیگیرد.
- ۳- جیش و گوساله - دهقان از میان دامهای خود چند بزغاله و گوساله بمالک هدیه می کند.
- ۴- روغن و بره - یک من روغن و یک بره و سه چهار تومن در سال.
- ۵- هیمه و ورك - سوخت مطبخ مالک که دهقان تامین میکند.
- ۶- پایه - سهمی که دهقان از تاپاله چهار پایانش باریاب می دهد.
- ۷- حق سایه و آفتاب - سهم مالک از کشمش رعیت. مگر نه اینست که دهقان انگورش را در آفتاب و زیر آسمان مالک خشک کرده ؟
- ۸- موش خور انبار - خسارت احتمالی خرابی و موش زدگی انبار مالک.

شرایط اقلیمی و جغرافیائی انواع اراضی و میزان آب زراعت آبی و دیمی و آئین و رسوم دهقانی در شهرستانها و اقالیم مختلف مملکت نسق های گونه گون و متنوع پدید کرده است و بدنبال آن شیوه های گونه گون و متنوع برای تقسیم محصول، بر شمردن همه این شیوه ها رشته ای سخن را

بدرازا می کشد اما برای بهمرساندن دیدی اجمالی یادآوری پاره‌یی از آنها ضرور بنظر میاید:

اراك: از مراکز کشاورزی نواحی مرکزی در حدود ۸۳۳ ده دارد که ۵۹ تای آن موقوفه و ۴۰۱ تای آن ششدانگی است. تعدادی از دهات بزرگ و پرمحصول ایران را در این شهرستان باید سراغ کرد و هم‌چنین ریشه‌دارترین اختلافات مالکانه را.

لمتون در کتاب معروف خود می‌نویسد: مجموع ظرفیت هردهی را از حیث میزان بندرافشانی زمین یا تعداد جفت‌ها (جفت بمعنی زمین و نه گاو) نسق میخوانند. روش تقسیم محصول بین زارع و مالک سه کوت است یکی مالک و دوتا زارع که گاو و بندر و کار از اوست. اما در فراهان بیشتر نصفه‌کاری می‌کنند و در چند نقطه مخصوص که مالک بندر را هم میدهد دوسوم میبرد. (سه کوت مخصوص)

در محصول دیمی گندم و جو بندر و چهارپا از زارع و سهم مالک یک پنجم است. یک جفت زمین در حدود علاقه ملکی یک خانوار میباشد و مقدار برداشت غله (گندم و جو) ده خروار که دوسوم زارع میبرد و کفاف معیشت او را نمیدهد. سهم پاکار (دشتبان) از کل محصول داده میشود و گاهی از سهم رعیت.

در ۱۳۲۲ سرمایه زارع که یک جفت زمین داشت چنین بود:

۱- یک جفت گاو ۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ ریال.

۲- یک الاغ ۳۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰

۳- سه بیل

۴- یک دستگاه خرمن کوب (چون).

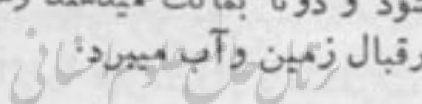
۵- دو گاو آهن، یک مال بندر و یک یوغ گاو...

بطور کلی محصول گندم و غلات آبی سه کوت میشود دوتا رعیت و یکی مالک. در این روش بندر از رعیت است ولی اگر آنرا مالک بدهد طرز تقسیم دیگرگون میشود. این شیوه در دهات شرا مانند خنداب، حسین آباد، سیران، پوران و دهنو و دهات کزاز مانند قدمگاه و مهاجران و سربند مانند مالچچه برقرار است.

محصول گندم و غلات دیم پنج کوت میشود که فقط یک کوت را بمالک میدهند.

پنابریک برآورد درآمد سرانه دهقان اراکی روزانه ۳ ریال میشود.

اما دوتوع تقسیم مذکور عمومیت ندارد و فی‌المثل در فراهان اراک نصفه‌کاری می‌کنند و گاه محصول آبی پنج کوت میشود و دوتا بمالک میدهند و هم‌چنین است در پاره‌یی روستاهای کزاز که مالک نیمی از محصول را در قبال زمین و آب میبرد.



قم - تقسیم محصول گندم و جو چهار کوت است یک کوت رعیت و سه کوت مالک. در دهات قم زمین و آب و شخم و تخم با ارباب است و دهقان فقط کار می‌کند. قم دیم ندارد و در حومه شهر مالک ششدانگ نیست مگر یک نفر که سه ده بزرگ دارد، البرز (با چاه‌های نفتش) زنبیل آباد و دولت آباد. آب دهات قم معمولن از قنات است. قنات را مالکین میسازند و بر مدار دوازده قسمت می‌کنند.

یزد - املاک زراعی یزدیا خرده مالک است یا اجاره‌بندی. واحد زمین قفیض و برابر نهصد الی هزار متر مربع - در یزد زمین را به نسبت آب میان زارعین قسمت می‌کنند. در بیشتر املاک اجاری آب و زمین متعلق با ارباب است و گاهی آب از آن یک مالک و زمین از آن دیگری. اما در هر حال اجاره بهای آب و ملک تعیین و پرداخت میشود. در برخی دهات دیگر زمین متعلق به رعیت است و آب از آن مالک. هر سال رعیت بمیزان آبی که دارد زمینها را می‌کارد و بقیه را آیش میکند.

تقسیم محصول یزد بطریق گوناگون صورت می پذیرد. هشتاد درصد اراضی یزد اجاره است. باین ترتیب آنجا که رعیت خودش زمین دارد آب اجاره می کند و جائی که آب و زمین هر دو از مالک است دهقان بازم اجاره بهای نقدی میپردازد و این املاک در یزد نامرغوب تلقی شده اند. بنا بر این در املاک اجاری مالک تنها اجاره بهای آب و یا آب و ملک خود را وصول مینماید. این نوع اول و متداول تقسیم محصول میباشد.

اما مواردی هم هست هر چند نادر که آب و زمین متعلق بمالکند و رعیت برای او میکارند. در این موارد تقسیم محصول دوشیوه دارد یکی نصفه کاری، آب و زمین از مالک و کود و کار از رعیت. نکته ای که باید متوجهش بود اینست که در یزد گاو نقشی ندارد. و اما شیوه دوم. بهنگام برداشت محصول طرفین داوری بر میگزینند و این داور اجاره بهای آب را جدا و اجاره بهای زمین را اعم از نقدی و جنسی جدا تعیین می کند و دهقان حق مالک را میپردازد.

در هر دو نوع رابطه مالک و رعیتی لارویی قنات و پیشکار آن بام اندودخانه های دهقانی که مالک اربابست عهده مالک میباشد. نصفه کاری در دهات آباد و پر محصول صورت می پذیرد اما وقتی رعیت فقیر باشد نصفه کاری صرف نمی کند و طریق دوم را میگزینند.

صیفی کاری یزد شامل انواع سبزی خربزه هندوانه خیار هویج کدو بادمجان گوجه فرنگی کلم پنجه جوترش ارزن ذرت قلمی چغندر و شلغم میشود. جو ترش محصولی است که اول مرداد میکارند و در آبان بر میدارند جوترش و ذرت قلمی بشکل نیشکر برای دام کاشته میشود و گاهی رعیت تهیدست نیز از جوترش میخورد.

در زمین اجاری کل محصول صیفی از آن رعیت است و در نصفه کاری نصف میشود اجاره بهای صیفی نیز نقدی و جداگانه تعیین میگردد. زیاد تر باغهای یزد مالک رعیت است هم زمین و هم درخت.

طول قناتهای یزد از مبدأ تا مظهر در پخشهای نزدیک شهر ۱۲ تا ۳۰ کیلومتر و در کوهستان ۳ تا ۴ کیلومتر است. عمق چاه گاهی به ۲۰۰ متر میرسد و فاصله هر دو چاه ۲۰ متر کار احداث قنات با پول گلان و خون جگر پیش میرود. برخی چاههای ۲۰۰ تومن، متر حفاری اعم از افقی یا عمودی، آبهای بهاری یا رودخانه بندرت مورد استفاده قرار میگیرند.

تقسیم آب هر قنات بر حسب مدار و گردش است بعضی قناتها هر ۱۲ روز گردش دارد برخی دیگر هر ۱۴ روز و پاره ای هر ۱۶ روز یکمدار. این تقسیم بسته بنوع زمین ده یا حوزه بی است که از قنات آب میخورد که زمین شنی و کوهستانی است یا رسی و جلگه ای بسته بمحصولی که کاشته شده که هر ۱۲ روز یا ۱۶ روز آب میخورد. آب هر قنات در ۲۴ ساعت به ۱۳۰ سهم زمانی قسمت شده و هر سهم را (جره) یا (طشته) یا (سبو) مینامند.

بروجرد: تقسیم محصول در نواحی گونه گونه صورت می پذیرد.

در دهات سیلاخور بالا (گیجالی بالا و پائین جانبلاغ و مرو) گندم آبی نصفه کاری است و شخم و تخم از رعیت است. در دیمزار سه کوت و گاهی پنج کوت و دو کوت رعیت و یکی مالک و سه کوت رعیت و دو تا مالک سردرختی مانند بادام و سیب گاهی نصف میشود و گاهی سه کوت که فقط یک کوت بر رعیت میدهند. ریشه از مالک است و تقسیم صیفی هم پنجاه و پنجاه.

در دهات سیلاخور پائین (چنارستان، گل زرد، ده ترکان، جهان آباد، اسدخانی و زرگران) گندم و جو آبی را سه کوت می کنند و یکی بمالک میدهند و گاهی نصفه کاری.

در سر بند و دهات گودرزی (توزه زن، کرکی خانی، قائید طاهر، مملیان و اشترینان) آبی نصفه کاری و دیمی سه کوت که دو کوت بر رعیت میدهند.

قنات و خانه های روستائی متعلق بمالک میباشد. با اینحال در جاهائی مثل اشترینان دره گرم و گیجاری رعیت خانه دارد و گاهی هم سند.

رسوم و باج و خراج؛ سیلاخور بالا۔ هر جفت گاو سالی يك خروس و ده تخم مرغ و يك من روغن سیلا خور پائین۔ هر جفت گوسفند يك بار تا پاله (۵۰ تا ۴۰ عدد تا پاله گاو) بمالك تقديم ميكند و دارنده جفت سالی دو یا سه روز بیکاری.

آیش «یرت» زمین‌ها همه جادو و نوبتی است. سیلاخور بالاتخمی ۱۵ تخم بر میدارند و سیلا خور پائین تخمی ۸ تا ۱۰ تخم و آب بگردش ۱۲ تا ۱۸ روز.

سرزمین‌های غرب و کرمانشاه:

این جا چهارمتری زیر زمین آبست و زراعت بیشتر داریم. زمینها از سیصد سال پیش میان رعیت قسمت شده و مالکین میکویند زمین نداریم تا بیشتر بکاریم! پاره‌ای از دیمکارها زندگی ایلی دارند. تابستان به ییلاق میروند و زمستان بقشلاق باز میگردند. ییلاق در خاکهای کردستان و قشلاق در سرزمینهای کرمانشاه. پائین تخمی را در زمین می افشانند باشخمی سطحی و تابستان که از ییلاق بر میگردند محصول را بر میدارند. دهاتی هست که آب ندارد و حتی يك درخت. اما آب رودخانه زیاد است. قره‌سو با آرامی از بغل شهر رد می‌شود. ساحل رود يك یا دو متر از سطح آب ارتفاع دارد و تمام اراضی مجاور می‌توانند با گرفتن نهري از رودخانه هکتارها زمین پائین دست را آب بخورانند. اما کنار همین رود کیلومترها دیمکاری می‌شود و آب رود هم دنبال کار خودش میرود. در بیستون آب از زیر سنگ می‌جوشد و بیرون می‌زند اما همه بمصرف کشاورزی نمیرسد همین‌طور گاماساب. آبها هرز می‌روند و با طلاق می‌سازند و مردم دیمکاری می‌کنند.

کعبود بزرگ کرمانشاه زه‌کشی است بطریق علمی زراعت داریم در چندمتری آب با خانه‌های خشک و بی درخت رقت بار و بیزار کننده است. قنات‌ها هم هست. با بیست حلقه چاه و مادر چاه که فقط ۱۰ متر عمق دارد و ۵ متر آب.

با اینهمه محصول داریم غرب مرغوب و غنی است و گاه از محصول کشتزارهای مرکزی بهتر. طرز تقسیم محصول در دیمکاری چهار کوت است یکی مالک و سه تارعیث و در آبی سه کوت دو تارعیث و یکی مالک و جاهائی سه و دو یا پنج و سه که هر دو شیوه بی استثنائی است.

کرمان، کشاورزی کرمان از مهر شروع میشود و در مهر پایان می‌یابد. مالکی که وسط این دوره رعیت را بیکار کند ناگزیر است حقش را بپردازد!

هر نسق اصطلاحاً عبارتست از یک جفت گاو يك دهقان و يك یاد و نفر فعله که ممکن است دهقان بمزد بگیرد. چگونگی تقسیم غله کورمان با محصول صیفی آن تفاوت پیدا می‌کند. ۲۵ تا ۳۰ درصد سهم رعیت و ۷۵ تا ۷۰ درصد سهم مالک و همه مخارج هم عهده مالک میباشد. در برخی نواحی نظیر سیرجان گاه مالک تا ۸۲ درصد محصول را میبرد. اما در غله صیفی مانند جو و ارزن محصول نصف میشود و مخارج با مالک است.

از محصول خرپزه و هندوانه دهقان ۲۵ الی ۳۰ درصد میبرد و از محصولات صیفی دیگر پنجاه درصد. در کرمان رعیت حق ریشه ندارد و بهره‌اش از سردرختی بیست درصد است.

عوامل کشاورزی یعنی زمین و آب و کود و گاو همه از آن مالکند و هر گاه رعیتی گاو داشت يك ربع زیادتر سهم میبرد یعنی ربعی از بیست و پنج درصد.

مالک کرمانی مسکن در اختیار دهقانش نمیگذارد.

کارهای مالک را مباشر یا سرزعیم راست و ریست می‌کند و هم اوست که زمین را از روی قدرت جسمی و بنیه مالی و میزان و نوع زمین و آب میان دهقانان تقسیم مینماید. بنیه مالی دهقان برای استخدام کارگر و شخم و نوع زمین از قبیل رخواه یا رسی بودن.

نیم ده يك از محصول اعم از جو و گندم و ذرت و ارزن و جنا و وسمه سهم مباشر و نیم ده يك سهم چاخو (مقنی) است . نیم ده يك چاخو گناه در انبار مالك میماند و بچاخو داده نمیشود . مالك گاهی از هر گاو بند دو پشت سنك میگیرد و هر پشت سنك ده من جو یا گندم است و متقابلن هر زارعی که خوب خدمت کند حواله ای برای جو یا گندم یا پول از ارباب دریافت می کند که آنرا در باغی میگویند !

از كل محصول ده ده يك مباشر و چاخو كسر میشود بعد پشت سنك و آنگاه محصول را سه كوت می کنند دو كوت از مالك و یکی از زارع و بجز ضبط مالکاله باج و خراج و هدیه هم در کرمان هست .

گاو بند از سردرختی ده دو (دو دهم) میبرد اما باغهای پسته و مرکبات را کارگران مزدور نگاه میدارند ، قناتها برمدار ۱۲ و ۱۴ میگردد کودهای حیوانی را مالك تهیه می کند اما ثلثی از قیمت کود شیمیائی عهده دهقان است . اراضی کرمان سه کشمون (آیش) و گناه چهار کشمونی است با اینهمه محصول بیشتر از تخمی هفت تخم نیست و هر گاو بند در حدود ۱۲۵ من بند می افشاند .

فارس در همه اقلیم فارس تقسیم محصول روی عوامل است اما قبل از تقسیم گاهی ۱۳ درصد برای دشتبای و مباشر و کدخدایان میدارند و بعد محصول را نصف می کنند . با اینحال در پاره ای روستاها مالك يك كوت میبرد و رعیت دو كوت و در دیم مالك يك كوت و رعیت چهار كوت .

در گرمسیر فارس مانند دشتستان گاهی يك دهم و گناه کمتر سهم مالك میشود و این كشتزارها همه دیم است . عرصه خانه های رعیتی ملك ارباب است و اعیانی آنها از رعیت . رسوم رعیتی در فارس بتدریج منسوخ میشود اما سابق «هر گاو مرد» يك مرغ و کدخدا يك بره بمالك تسلیم میکرد .

محصول صیفی مانند چغندر و پنبه و غیره نصف میشود . فارس کم آب ترین سرزمینهای کشور را داخل حدود خود دارد و ناچار فارسیها هم سراغ قنات و چاه رفته اند .

خراسان همه ی ترتیب هایی را که در آغاز سال زارعی برای گرفتن آب و کاشتن زمین داده میشود نسق خوانند . این نسق برای یکسال است و در هر شهر و دیار بنوعی و آئینی ، زیرا جو کاشمر در اوائل تیر به بازار میرسد در حالی که قوچان قادر نیست قبل از آغاز مهر جو ببازار عرضه کند .

آب از قنات است و قناتها برمدار ۱۲ - زمینهای خراسان معمولن سه آیشی است . خانوار رعیت که کمتر از ۴ سر نمیشود بايك پاگاو گناه دهقان دیگری را بمزدوری میکرد و گناه فقط سهم گاوش را بر میدارد و بقیه را باو میسپارد . علت ساده است . يك جفت گاو در آبی دو مرد و در دیم يك مرد میخواد زیرا زمینی که چند روز پیش آب خورده وقتی «بگاو میاید» باید شخم شود و خود دهقان در همانوقت با آب دادن زمین دیگر سرگرم است . اما در دیم يك مرد کفایت می کند .

محصول آبی خراسان میان چهار عامل قسمت میشود و بندر را هم از وسط بر میدارند . استثنائین و در برخی مناطق نظیر کاشمر و سبزوار که گرمسیرند زارع که گاو و کار از اوست يك ثلث میبرد زیرا محصول زیاد است و چنین فرض شده که ثلث رعیتی در کاشمر از نصفه کاری قوچان زیادتر باشد !

اما دیمکاری در بیشتر نواحی خراسان راه و روشی خاصی دارد و حق مالك از دیمزار عشا است . با این وصف گاهی دهقانان دیمزار را با وسائلی مانند سیلاب و غیره آبی می کنند و بمالك دوعشر میدهند ، مشروط بوجود قرار داد .

در صیفی دو نوع عمل میشود .

۱ - در پنبه کاری و چغندر محصول را نصف می کنند و مخارج نظیر کود شیمیائی را از روی محصول بر میدارند .

۲ - در خرپزه و هندوانه و امثال آن کار طرحی دیگر دارد. دهقانان اصلی باین امر نمیرسند و ناگزیر مالک بدیگران متوسل میگردد . «برجوی کار» کشاورزی است برای صیفی کاری . تقسیم محصول صیفی سه و دو است سه سهم برجوی کار و دو سهم مالک و مخارج هم با مالک .

آذربایجان زمینهای آذربایجان سه نوع بیش نیست . آبی، دیمزار و زمینهای نامرغوب که بکار کشاورزی نمیخورد و بیشتر مرتع و چراگاه شده . نسق کشاورزی از یک لحاظ نسبتی است که میان این اراضی برقرار کرده و زمین هرده را بآن نسبت بزارعین داده اند .

تقسیم محصول آبی آذربایجان بطور کلی سه کوت است و محصول دیمی پنج کوت که در هر حال یک کوت را مالک میبرد . مهمترین رسوم محلی آذربایجان مالیات سرانه بود که امروز منسوخ شده. بیکاری گاه دیده میشود و گوسفند دهقان نفری سه تومن و گاوش پانزده کیلور و غن در سال بمالک میدهد اما اینها عمومی و همه جائی نیست.

استثنا بر قاعده کلی امری عادی است و در پاره ای نقاط محصول آبی را نصف و دیم را میان مالک و رعیت به نسبت ۳ و ۲ تقسیم می نمایند.

حقوق ریشه - برای تکمیل مطلب اشاره بی می کنیم بحق ریشه . مالک زمینی بدهقانان میسپارد تا در آن کشت کند . دهقان هم باغی احدات می نماید یا بذری می افشاند که سالها ثمر میدهد مانند بنجه. ریشه درخت یا بنجه در برخی استانها ملک دهقان شناخته شده و مالک را حقی بر آن نیست. بعبارت ساده تر شاخه و کنده و ریشه درخت ملک دهقان است و ارباب نصیبی میبرد از ثمر آنها بشرطی که ثمر بدست آید. این را در عرف کشاورزی حقوق ریشه میخوانند.

حقوق ریشه ویژه استانهای شمالی و کرمانشاه است. در مازندران و گیلان حقوق ریشه در جای وشالی و گردو و مو و کتان متداول است و سهم مالک از سر درختی مانند گردو و غیره یک ثلث و از انگور یک خمس میشود. در دهات مرکزی فلات حقوق ریشه را کمتر میشناسند. در یزد حقوق ریشه یادسترنج بقوت اعمال میگردد و در املاک اجاری همه ی ریشه و در نصفه کاری نیمی از آن ملک رعیت میباشد.

اینها سنت چند هزار ساله کشاورزی ایران است؛ ترا دیسیونهای کهن ملی یا نسق کشاورزی. همین هاست که شکستشان نیرو و همت میخواهد و همین هاست که شکستشان آغاز شده است. ما آمده ایم و دو عامل از پنج عامل را در تعدادی از دهات حذف کرده ایم، در یک پنجم یا یک چهارم دهات. بعبارب دیگر زمین و آب را از مالک میخریم و بدهقان میفروشیم. از این پس خرمنهای گندم و جو در «خرمن جا» سه کوت یا پنج کوت نمیشود و مالکین پاره بی روستاهای ایران تنها بیاس مالکیت مقدس (۱) یک سوم یا یک پنجم بهره ی کار دهقان را بانبار خود نمیبرند. از این پس تعدادی از دهقانان ماهم ملک و آب دارند و همین بذرو گاو.

روشن است که این عمل بدو وجه قابل تفسیر و تامل است؛ اول اینکه بگوئیم نسق کشاورزی را شکستیم و عامل فقر و هدر رفتن نیروی دهقانان را از میان برداشتیم. دهقان ایرانی

دیگر سلطان کشتزار خواهد بود و هر کس آنچه کشته است درو میکند. این تفسیر و توجیهی است که میتواند مصداق خارجی داشته باشد و پس از پایان کار يك پنجم یا يك چهارم روستاها شاهد صادق آیند .

از این پس در روستاهایی که قانون اجرا شده است کشاورزی مانند هر نوع عمل تولیدی یا سرمایه‌گذاری دیگر تلقی میشود. دهقان سرمایه می‌خواهد، زمین دارد آب دارد گاو دارد این سرمایه. وسائل کار می‌خواهد؛ بذرا شرکت تعاونی در اختیارش میگذارد ممکن است بتدریج تراکتور هم پیدا شود قنات‌ها لارویی می‌کردد و چاه‌های عمیق برای زیاد کردن آب زده خواهد شد. نیروی کار هم که از دهقان بود. باین ترتیب کشاورزی رونق و نظم تازه می‌گیرد و میتوان نسق قدیمی را واژگون شده تلقی نمود. فردای کشاورزی مامرهون و منوط به حفظ و نگاهداری همین نظام است با کوششی راستین در حفظ و بهبود و توسعه‌اش. باید هر دهقان زمینش را بکارد و هر شرکت تعاونی کارش را توسعه بخشد. بذرخوب هر چه داشته باشیم کم است و پاک کردن قنات‌ها و زدن چاه‌های عمیق نباید متوقف گردد یا کافی شناخته شود. باید دست معلم و پزشک را گرفت و آنان را پدهات برد و هر سال يك بازرسی دقیق اقتصادی و اجتماعی در کار دهقانان زمیندار شده مجری نمود. در تمام این احوال هرگز نمیتوان دویا سه‌یسا پنج هکتار زمینی که بهر خانوار دهقانی رسیده است قسمت یا واگذار کرد یا بفروش رساند و یا میان فرزندان دهقان پیر بخش نمود .

در چهار چوبه قانون موجود و با روش اصلاح ارضی که پیش گرفته ایم آنچه اجمالاً گفته شد داروی عافیت یا تدابیر و وسائلی است که رهنمون پیروزی و کامیابی توانند بود .

اما این يك طرف مدال بود طرف دیگر مدال یا توجیه و تعبیر منطقی دیگر را هم باید شنود و بآن اندیشید. با خریداری زمین و آب و سپردن آن بددهقانان نسق کشاورزی شکسته نشد بلکه سهم دو عامل زمین و آب را بددهقانان بخشیده‌ایم.

دهقان صاحب زمین، زمین خود را می‌کارد و محصولش را بر میدارد. اما هر گاه گاو از کار بیفتد یا خودش نتواند پشت گاو بایستد و امکان شرکت تعاونی از یاری او فرو بماند گاودیکری را بدارت خواهد گرفت یا دهقان دیکری را پشت گاو خواهد فرستاد. اجاره آن گاو یا دستمزد آن دهقان چگونه تعیین می‌گردد؟ بهمان راه و روش قدیم و طبق همان رسوم و عرفی که هزارها سال بر کشتزارها حکومت می‌کرده است. مگر نه اینست که دهقان صاحب زمین شده در گذشته نزدیک خود زمین دیکری را میکاشت و سهمی بابت گاو و کارش دریافت میداشت. سوابق ذهنی و غریزه تفوق جوی آدمی هم گاه او را بساین راه میدواند .

و باز دهقان صاحب زمین شده آزاد است که زمین خود را بکارد یا آنرا بدیکری بفروشد و آن دیکری هم بدیکری. فقر و خشکسالی، بازماندن شرکتهای تعاونی از یاری دهقان یا ضعف و قلت سرمایه شرکت، مرك دهقان پیر و بخش کردن زمین میان فرزندان جذبه شهرها و شهر نشینی و عوامل دیگر محرك قرار میگیرند و بهمین ترتیب امکان دارد بار دیگر و بفاصله يك بیست سال بزرگ مالکی حیات خود را از آغاز کند. چنانکه در دنیای معاصر به تجربه رسید .

بسیار کسانی که در شهریور بیست پیشیزی نداشتند و امروز چند پارچه ملك و قنات گرد کرده‌اند. می‌بینید که نسق کشاورزی را نشکسته‌ایم .

مسئله‌ی دیگر سرنوشت دهات شش‌دانگ است. اگر وضع غیر از این بود یعنی يك پنجم دهات در دست مالکین میماند و چهار پنجم تقسیم میشد، باز هم مسئله اهمیت خود را از دست نمیداد؛ چرا نسق قدیم کشاورزی در آن دهات بماند و چرا یوغ مالکیت بردوش دهقان سنگینی کند .

شاید چنین پاسخ دهند که سایه قانون بر دهات دیگری که مشمول آن نیست خواهد افتاد و جریانی بحلو ایجاد خواهد کرد. نبض زمان آهنگ دیگری دارد و اجرای قانون جنبشی نو پدید میآورد.

درست. شبخی روستاها را فرا گرفته است. شبخ تزلزل روابط ارهاب ورعیتی. تکان و تزلزلی شدید در ارکان مالکیت روستاها. آثار این شبخ هم اکنون و خصوصاً در بر داشت محصول چهل و یک محسوس گردیده است و همین شبخ یا سایه محتمل است که همه دهات را بسر نوشتی مشابه دچار سازد. مالکین خود بقانون کردن گذارند و زمین ها را برعیت بفروشد *

از واقعیت دور نیستیم و حرکت نبض زمانه رادریست تشخیص داده ایم. چه بسیار که واضعین قانون بهنگام تدوین آن چنین احساس کرده باشند و بهمین هم بسنده. اما اشکال در همین جاست و همین است که نمیتوان بآن قناعت کرد. کافی نیست که چهار پنجم روستاها را بحال خود گذاریم دور انتظار تسلیم مالکان بمانیم. بگذاریم کارها جریان خود را طی کند و احتمالاً با درهم ریختگی و نا هم آهنگی پیش برود.

در خود شدانك حد نصاب نیز حرف و سخن است و این میزان - اگر کشتزار های بزرگ جهان را سرمشق قرار داده باشیم - بیش از قدرت یکفرد برای کاشتن و رسیدن میباشد. باید فکری و ترتیبی بوجود آورد. و از سوی دیگر بدهفانان این دهات چه میتوان گفت و آنها چگونه باید بسر نوشت خود کردن بگذارند در حالی که همگنان راهی دیگر میروند و از نعمت و رفاهی زیادتیر بر خوردارند؟

و بعد از همه این نکات و تفکرات باید سنجید و حساب کرد آیا مسئله زمین و مشکل تولید کشاورزی حل شده است؟ آیا میتوان با توجه به نیازمندی های امروز کشاورزی را بوضع مکانیزه در آورد، تولید را بالا برد و زندگی دهقان را بهتر ساخت؟

بخش چهارم: آمار تولید کشاورزی

اداره اطلاعات و روابط عمومی وزارت کشاورزی مجموعه بی فراهم آورده است بنام اصلاحات ارضی در ایران، جلدی از این کتاب را برای « اندیشه و هنر » فرستادند. در بر خورد نخستین بل کتاب شاد شدم، کاغذ و جلد مرغوب است حروف ۱۸ و درشت. گمان بردم که در این مجموعه با برخی حقایق کشاورزی و ارقام دست - اول روبرو خواهیم شد پنداشتم فهرستی از دهات ایران با بر آوردی از محصول هرده رادرسالهای اخیر داده اند و میزان اراضی تقسیم شده تا تاریخ انتشار کتاب آنرا کامل میسازد. اما بعد از گشودن کتاب و واری صفحات آن...

کتاب عبارتست از ۲۷۰ صفحه بقطع وزیری بعلاوه ۳۶ صفحه دیگر منهای ۸ صفحه سفید بعلاوه ۵ صفحه عکس و تفصیل. ذیل تصویری در صفحه اول نوشته اند: رفرم ارضی مهمترین تحول اجتماعی و اقتصادی است که پس از انقلاب مشروطه و ملی شدن صنایع نفت در ایران صورت می گیرد ولی بفاصله ۱۳۷ صفحه پس از آن مینویسند اجرای قانون اصلاح ارضی از ملی شدن نفت بمراتب مهمترین است و این تجدید نظری است که از حکم اول خواسته شده است. مطالب کتاب را لایحه اصلاحات ارضی بانضمام ۲۴ فقره نطق و سخنرانی و توضیح و ارشاد از طرف وزیر کشاورزی وقت با اضافه یک فقره سخنرانی در مرزهای دانش و چندین نامه اداری بوجود میآورد؛ همین.

خواننده‌ی مشتاق که لاقط چشم‌اندازی برابر نقشه جغرافیائی ایران دارد و فکری متمایل به یکپارچگی و وحدت نه از تعداد دهات و میزان محصول خبری می‌گردد و نه از درجه شمول و برد قانون و گویا باید تردید نمود که اساسن میزان محصول کشاورزی هر روستا بطور جداگانه تهیه شده باشد.

بدنبال این کمبود مطلبی اساسی مطرح می‌شود و همه کسانی که با کشاورزی سروکار دارند و نگران اجرای قانون، ناگزیر متوجه آن خواهند شد

تجربه تأیید می‌کند که اولین محصول اصلاح ارضی در هر کشور راه‌ناهمواری است که تولید کشاورزی در آن می‌غلطد. راهی پرنشیب و فراز برای چندسال اول، ممکن است میزان تولید سقوط کند و سطح زیر کشت تقلیل یابد.

محتمل است برداشت محصول دچار دشواری گردد و یا حتی عوامل وابسته بمالکین کار شکنی و خرابکاری نمایند. در کشور ما که کم‌آبی مشکل بزرگ کشاورزی است تاخیر در لارویی قنات‌کشتزارها را دچار بی‌آبی می‌سازد... همه اینها طبیعی و قابل پیش‌بینی‌اند اما مهم نیستند.

مهم اینست که پس از بروز مشکل بچاره جوئی بر نخیزیم و یا برای چاره‌جوئی آماده نباشیم. مهم اینست که هرج و مرج جایگزین کار و کوشش و تولید منظم گردد و میزان تولید و سطح زیر کشت رو بکاهش گذارد.

تکثیر یا تقلیل محصول و صعود یا نزول منحنی تولید نشانه بهبود و پیشرفت یا نقص و شکست است. باید هر سال وضع کشاورزی و میزان برداشت هر روستا و ناحیه و نیز کل تولید کشاورزی مملکت را با سال قبل و سال قبل از اصلاح ارضی سنجید و ابزار و وسائل کار را پیوسته در اختیار داشت. باید دید سقوط تولید کدام یا برنج و یا سایر محصولات جو و ذرت معلول چه عواملی میباشد و از کدام ناحیه یا نواحی سرچشمه می‌گیرد. ابزار این کار در دست داشتن آمار دقیق و تفکیک شده از کل محصول کشاورزی مملکت و محصول جزئی هر ناحیه میباشد و کنترل تولید و سنجش نتایج اصلاح ارضی توأم است با آمارگیری دقیق کشاورزی و مقایسه سالانه رقم تولید با ارقام قدیمی.

از پنجاه و اندی هزار روستای کوچک و بزرگ چند روستا مشمول قانون می‌گردد؛ عده‌ای تخمین می‌گویند تا پانزده هزار این جواب متکی بکدام مدرک دقیق میباشد؛ شرکتهای تعاونی اهرم بزرگ اصلاح ارضی است. ولی آیا کادر لازم برای شرکتهای تعاونی تهیه شده است؛ میزان استحصال روستاهای مشمول قانون چیست و میانگین تولید آنها در دهسال اخیر چه بوده است؛ اینها مقدمات کار و نقطه حرکت ماست. این مسائل و نکات را باید با دقت بررسی کرد و پاسخ دقیق و حساب شده هر یک را اعلام و ضبط نمود تا معلوم شود از کجا براه افتاده‌ایم در چه راهی گام گذارده‌ایم و به کدام سر منزل خواهیم رسید.

در کشور ما بنگاههای تحقیق اقتصادی و اجتماعی که بتوانند بگردآوری آمار و مطالعه مسائلی نظیر آنچه گذشت مبادرت ورزند وجود ندارد و ناگزیر مرجعی که باید تعداد دهات ایران میزان تولید کشاورزی کلی و ناحیه‌ای، نوع محصول و وضع کشاورزی هر ناحیه، تعداد قنوات مزارع و گاوها و امثال آنها معین و مشخص بسازد موسسات وزارت کشاورزی خواهد بود و بی‌تردید قسمتی از کارهای اساسی رفعم ارضی را تهیه و گردآوری همین آمار و اطلاعات بوجود می‌آورد.

ما نمیدانیم موسسات مذکور تا چه حدود در این کار پیشرفته اند اما خوب میدانیم که تهیه چنین آماری ضرورت حیاتی دارد.

اکنون فقط باید گفت اصلاح کشاورزی آغاز شده است و همراه زمینی که بدهقانان داده میشود با بازار و وسائلی دیگر نیاز خواهد افتاد که فرهنگ و برخورداری از حقوق سیاسی جزء آنهاست.

زیرسازیهای اجتماعی را که تا امروز معوق گذارده ایم باید شروع کنیم و هم چنان که بزرگ مالکی را نفی و طرد میکنیم نسق قدیمی کشاورزی را نیز بشکنیم و بموزه های جامعه شناسی بفرستیم. اگر همه ی دهقانان از استعمار مالکین رها شوند و اگر باشکستن نسق قدیم و تمتع از حقوق مدنی و سیاسی زندگی مساعدتری برای روستائیان تدارک گردد قطعاً به اصلاح اساسی کشاورزی و حل نهائی مسئله زمین نزدیکتر خواهیم شد.

تهران، پنجم آذر چهل و یک

ناصر و ثوقی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

آگهی

این را سال ۱۹۳۹، چند روزی بعد از آنکه به «هاروارد» آمدم نوشتم. «آرجیبالد مک لیش» داشت سر کلاس اول حرف میزد و از آغاز جنگ دوم میگفت که من داستان کوتاهی قلم زدم، کوتاهترین داستانی که نوشته ام.

آن

داشتیم از وسط سیم های خار دار میگذشتیم که مسلسلی شروع کرد. من همینطور بجلو میرفتم که یک دفعه دیدم سرم افتاد روی زمین.

کله ام گفتم: «خدایا، مردم»

و تنم پس افتاد.

«نورمن میلر»